

درآمدی بر تقسیم و تحلیل روایات سیاسی - اجتماعی امام جواد علیه السلام سیف‌الله صرامی^۱

چکیده

روایات، یکی از منابع اصلی سیره معصومان علیهم السلام است. برای استفاده بهتر و عمیق‌تر از این روایات، باید بسته به موضوعات تحقیق، دسته‌های مختلف آن را بازشناسیم. در موضوع سیره سیاسی - اجتماعی امام جواد علیه السلام در یک دسته‌بندی، می‌توان چهار دسته اصلی را در روایات منقول از آن حضرت به دست آورد: روایات بازخوانی امامت، روایات مهدویت، روایات روابط با خلفا و کارگزاران و روایات شایستگی‌های رفتارهای اجتماعی.

واژگان کلیدی

امام جواد علیه السلام، سیره، سیاست، جامعه، روایات، امامت.

طرح موضوع

سیره ائمه علیهم السلام در مبانی کلامی امامیه، به عنوان تداوم سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، یکی از دو منبع اصلی معارف اسلامی (قرآن و سنت) شناخته می‌شود. (حکیم: ۱۴۷) اما آثار مدون، متنوع و جامع در تقریر، تبیین و تحلیل سیره ائمه علیهم السلام تهیه نشده است. یکی از زیربناهای دست یافتن به این مهم، توجه عمیق به روایات ائمه علیهم السلام است. روایات در حقیقت، بهترین منبع برای تدوین سیره آنان است. این روایات شامل نقل گفتار، رفتار و تقریر ائمه علیهم السلام است و باید آن را درباره هریک از امامان به نقل از همه امامان تصور کرد. بنابراین، روایات درباره سیره هریک از امامان به دو قسم اصلی تقسیم می‌شود: روایاتی که از خود امام مورد تحقیق نقل شده و روایاتی که از سایر امامان درباره ایشان نقل شده

۱. عضو هیأت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۷/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۹/۱۷

است. برای مثال، روایاتی که درباره سیره امیرمؤمنان علیه السلام، وجود دارد، هم چنان که به نقل از خود حضرت قابل کاوش و بررسی است، به نقل از امام صادق علیه السلام هم باید بررسی شود. این نکته درباره معصومان علیهم السلام درست است.

در این نوشتار، نگاهی درآمدگونه به نمونه روایاتی داریم که برای پژوهش در سیره سیاسی- اجتماعی امام ابو جعفر محمد بن علی بن موسی التقی الجواد علیه السلام (۱۵-۲۲۰ ق) باید به آن‌ها توجه گردد. برای این کار، لازم است ابتدا روایات بر حسب محتوا، دسته‌بندی شود. این دسته‌بندی در این جا با توجه به تقسیمی که اشاره شد، تنها در مورد روایاتی است که از خود حضرت نقل شده است. می‌توان همین دسته‌بندی را در مورد همه روایات سیره آن حضرت انجام داد. توجه به این نکته مهم است که نمی‌توان صرفاً از روی روایات، به جمع‌بندی نهایی سیره معصومان علیهم السلام، در هر موضوعی دست یافت. باید نقش مناسب سایر منابع نیز در جمع‌بندی دیده شود. علاوه بر این، در این جا به سند روایات نمی‌پردازیم. بنابراین، در حد این مقاله، جمع‌بندی نهایی، به صورت رسیدن به حجت فقهی در روایات را نیز نباید انتظار داشت.

پیش از دسته‌بندی، لازم است موضوع آن در محدوده نیازی روشن شود که منطقاً برای امکان دسته‌بندی وجود دارد. موضوع روایات، سیاسی- اجتماعی است. بنابراین باید مراد از ترکیب سیاسی- اجتماعی در این جا روشن شود. مراد از سیاسی، هرگونه محتوایی است که به حکومت، حکومت‌داری، حکومت‌خواهی و حاکمان می‌پردازد. مراد از اجتماعی، محتوایی است که یا موضوع آن جامعه است و یا به روابط افراد از این حیث می‌پردازد که جامعه را تشکیل می‌دهند. توضیح این‌که جامعه در این جا شامل هر گروه انسانی با هر مقیاس کوچک و بزرگی است که مایه‌ای مانند مذهب، ملت، نژاد، شغل و غیره آن‌ها را به هم پیوند می‌دهد. به دلیل تعامل مستقیم و فراوانی که مصادیق این دو مفهوم با هم دارند، در این جا کنار هم آمده‌اند. اما به دلیل اهمیت وضعیت سیاسی دوره امامت امام جواد علیه السلام از یک سو و گستردگی مسائل و موضوعات اجتماعی به گونه‌ای که جمع‌بندی روایات آن در یک مقاله کوتاه دشوارتر می‌نماید، از سوی دیگر، در این جا محور اصلی را محتوای سیاسی قرار می‌دهیم. بنابراین، محتوای اجتماعی را از آن جهت در نظر می‌گیریم که در حوزه سیاسی، تأثیرگذار یا از فروعات این حوزه قابل درج است.

تقسیم اولی روایات

محتوای روایات - سیاسی اجتماعی امام جواد علیه السلام را ابتدا به این چهار دسته می‌توان تقسیم کرد:

۱. بازخوانی امامت

امام جواد علیه السلام اولین امام در سلسله نورانی امامت هستند که امامتشان از کودکی آغاز شد. بنابراین، برای ایفای نقش امامت و انجام دادن وظایف خطیر آن در حوزه‌های مختلف، باید بازخوانی و تبیینی از امامت صورت پذیرد که در آن کودکی امام تحت الشعاع حقیقت امامت قرار گیرد. ضرورت این کار، برای ایفای نقش در حوزه سیاست بسیار بیش‌تر است؛ زیرا در این حوزه، معمولاً بازیگران شیفته قدرت وجود دارند که در تلاشند تا رقبا یا هر کس را که رقیب می‌پندارند، به هر بهانه‌ای از صحنه بیرون برانند. بنابراین، یک دسته اصلی از روایات آن حضرت به این مهم می‌پردازد.

۲. مهدویت

روایات مهدویت از آن‌رو در حوزه سیاست اهمیت دارد که حکومت و قدرت را در سطح جهانی آینده‌نگری می‌کند. به علاوه تکلیف را در رفتار سیاسی از آن جهت روشن می‌سازد که پیش از ظهور حضرت صاحب‌الامر (عج)، به دنبال تشکیل حکومت موعود جهانی باشیم یا نه. اصولاً مهدویت موضوعی در حوزه سیاست به شمار می‌آید که محور اصلی آن تشکیل حکومت جهانی برای اصلاح کلی جامعه بشری، با پر کردن جهان از قسط و عدل است.

۳. روابط با خلفا و کارگزاران

بی‌شک بخش چشم‌گیری از سیره سیاسی - اجتماعی امامان را باید در روابط آنان با حاکمان زمان جست‌جو کرد. امام جواد علیه السلام هم از این کلی مستثنا نیستند. بنابراین دسته سوم از روایات در این نوشتار به این مهم خواهد پرداخت.

۴. شایستگی‌های رفتارهای اجتماعی

با توجه به توضیحی که درباره ترکیب سیاسی - اجتماعی گفته شد، مراد از شایستگی‌های رفتارهای اجتماعی، باید و نبایدهای رفتارهایی در جامعه است که می‌تواند در تعامل با حوزه سیاست قرار گیرد. تعبیر شایستگی، از آن‌رو در این جا به کار می‌رود که اعم از محتوای فقهی و اخلاقی باشد.

هریک از این اقسام نیز زیرمجموعه‌هایی دارند که در ادامه به هر یک خواهیم پرداخت.

روایات بازخوانی امامت

روایات بازخوانی امامت، به چند دسته تقسیم می‌شود:
الف) روایاتی که به ماهیت و صفات الهی امام می‌پردازد. روایت ذیل در این دسته قرار می‌گیرد:

- عن أبي جعفر الثاني قال قال أبو جعفر الباقر عليه السلام ان الأوصياء محدثون يحدثهم روح القدس ولا يرونه ...؛ (صفار: ۴۷۳)

امام جواد عليه السلام از امام باقر عليه السلام چنین نقل می‌کند: «اوصيا طرف سخن ملکوتیان هستند؛ روح القدس با آنان سخن می‌گوید، در حالی که او را نمی‌بینند...».

این مضمون، یکی از پایه‌های عصمت امام است؛ عصمتی که هم در گفتار می‌تواند باشد و هم در رفتار. این صفت یکی از جنبه‌های الهی امام را آشکار می‌سازد که امامت آن حضرت را نیز در سن و سال کم توجیه و تثبیت می‌کند.

ب) روایاتی که به پرسش صغر سن امام پاسخ می‌دهد. این دسته، نقطه عطف بازخوانی و آشکارسازی جلوه‌هایی از امامت است که به تناسب دوران و وضعیت امام جواد عليه السلام توسط حضرت به انجام می‌رسد. یک نمونه نقل می‌شود:

- عن أبي جعفر الثاني عليه السلام قال: قلت له ان الناس يقولون في حادثة سنك. فقال إن الله تعالى أوحى إلي داود عليه السلام أن يستخلف سليمان و هو صبي يرعى الغنم، فأنكر ذلك عباد بنی اسرائیل و علماءهم، فأوحى الله إلي داود عليه السلام: أن خذ عصي المتكلمين و عصي سليمان و اجعلها في بيت و اتمم عليها بخواتيم القوم، وإذا كان من الغد فمن كانت عصاه قد أورقت و أثمرت فهو الخليفة، فأخبرهم داود عليه السلام فقالوا: قد رضينا و سلمنا؛ (حر عاملی: ۸۶- ۸۷؛ کلینی، ج: ۱، ۳۸۳)

به امام جواد عليه السلام عرض کردم: «مردم درباره کمی سن شما حرف‌هایی می‌زنند!» فرمود: «خداوند به داود وحی کرد که سلیمان را به جانشینی خود برگزیند در حالی که کودکی گوسفندچران بود؛ عابدان و عالمان بنی اسرائیل این گزینش را منکر شدند. از این رو خداوند به داود عليه السلام وحی کرد: "عصای منکران و عصای سلیمان

را بگیرد و در اتاقی قرار ده و اتاق را با مهر آنان مسدود کن. آن کس که فردا عصایش برگ داد و میوه آورد، خلیفه خواهد بود." وقتی داوود خبر این وحی را به آنان داد، گفتند: راضی و تسلیم هستیم».

این توجیه، به نصب الهی امام اشاره دارد که همانند منصب نبوت، در صورت لزوم و در برابر منکران، معجزه الهی پشتیبان آن خواهد بود.

(ج) روایاتی که منصب تشریع را برای امام بیان می‌کند. نمونه آن روایت ذیل است:

- «عن محمد بن سنان قال: كنت عند أبي جعفر الثاني عليه السلام فأجريت اختلاف الشيعة، فقال: يا محمد إن الله تبارك وتعالى لم يزل متفردا بوحدانيته ثم خلق محمدا وعليا و فاطمة، فمكتوا ألف دهر، ثم خلق جميع الأشياء، فأشهدهم خلقها وأجريت اعنتهم عليها و فوض أمورها إليهم، فهم يحلون ما يشاؤون و يحرمون ما يشاؤون و لن يشاؤوا إلا أن يشاء الله تبارك و تعالى، ثم قال: يا محمد هذه الديانة التي من تقدمها مرق و من تخلف عنها محق، و من لزمها لحق، خذها إليك يا محمد»؛ (کلینی، ج ۱: ۴۴۱)

محمد بن سنان می‌گوید: نزد امام جواد علیه السلام موضوع اختلافات بین شیعیان را مطرح کردم. حضرت فرمود: «ای محمد، خداوند تبارک و تعالی در بی‌انتها، به یگانگی خود تنها بود تا این که محمد و علی و فاطمه را خلق کرد. پس هزار دهر ماندند و درنگ کردند. پس از آن همه اشیا را خلق کرد و آنان را گواه خلق همه اشیا قرار داد و اطاعت از آنان را بردوش همه اشیا گذاشت و همه امور اشیا را به آنان تفویض کرد. پس آنان هرچه را خواهند حلال و هرچه را خواهند حرام می‌کنند و البته خواست آنان به خواست خداوند تبارک و تعالی وابسته است.» سپس فرمود: «ای محمد، این دیانتی است که هر کس از آن جلو افتد، منحرف می‌گردد و هر کس از آن عقب ماند، نابود می‌شود و هر کس از آن جدا نشود، همراه گردد. این را به سوی خود بگیر!»

این دسته نیز یکی دیگر از جنبه‌های الهی امامت را نشان می‌دهد.

روایات مهدویت

به امامت رسیدن امام جواد علیه السلام در سنین کودکی، آغاز دوره‌ای جدید از سلسله نورانی امامت بود. در این دوره، خوارق عاداتی هم‌چون امامت با همه لوازم آن در کودکی رخ نمود تا تجربه بشریت درباره نبوت در کودکی، درباره امامت هم تکرار شود. انتهای این

دوره را امامت حضرت صاحب الامر (عج) تشکیل داد که علاوه بر شروع امامت در کودکی، حوادث عظیم غیبت کبرا و ظهور و تشکیل حکومت جهانی را در پیش دارد. وجهی از وجوه روایات مهدویت منقول از امام جواد علیه السلام را می توان در همین جهت قلمداد کرد. این روایات به چند دسته تقسیم می گردد:

۱. روایاتی که شخص حضرت صاحب الامر را معرفی و تعیین می کند. یک نمونه در پی می آید:

- عبدالعظیم الحسنی قال: دخلت علی سیدی محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام وأنا أريد أن أسأله عن القائم أهو المهدي أو غيره فابتدأني فقال لي: يا أبا القاسم إن القائم منا هو المهدي الذي يجب أن ينتظر في غيبته، ويطاع في ظهوره، وهو الثالث من ولدي، والذي بعث محمدا صلوات الله عليه بالنبوة وخصنا بالإمامة إنه لو لم يبق من الدنيا إلا يوم واحد لطول الله ذلك اليوم حتى يخرج فيه في ملاء الأرض قسطا وعدلا كما ملئت جورا وظلما، وإن الله تبارك وتعالى ليصلح له أمره في ليلة، كما أصلح أمر كليمة موسى عليه السلام إذ ذهب ليقتبس لأهله نارا فرجع وهو رسول نبي، ثم قال: أفضل أعمال شيعتنا انتظار الفرج؛ (صدوق: ۳۷۷؛ خزاز قمی: ۲۸۳)

عبدالعظیم حسنی می گوید: خدمت آقایم امام جواد علیه السلام رسیدم تا از او درباره قائم (عج) بپرسم که آیا همان مهدی (عج) است یا غیر از اوست؟ قبل از پرسش من فرمود: «ای ابوالقاسم! قائم ما همان مهدی است که باید در غیبت او منتظر بود و در وقت ظهورش اطاعتش کرد. او سومین نسل من است. قسم به آن که محمد صلوات الله عليه را به پیامبری برگزید و ما را به امامت اختصاص داد، اگر فقط یک روز از دنیا باقی باشد، خداوند آن روز را چنان طولانی می کند که در آن ظهور کند و زمین را از قسط و عدل پر نماید، همان طور که از جور و ستم پر شده است. خداوند تبارک و تعالی کار او را در یک شب راست کند، چنان که کار کلیم خود موسی علیه السلام را راست کرد هنگامی که برای برگیری آتشی برای خانواده خود رفت و در حالی که رسول و نبی بود برگشت.» سپس فرمود: «بهترین اعمال شیعه ما انتظار فرج است.»

۲. روایاتی که وضعیت اعتقاد مردم به حضرت صاحب الامر را در زمان غیبت کبرا بیان می کند. مانند روایت ذیل:

- «...لأنه يقوم بعد موت ذكره وارتداد أكثر القائلين بإمامته. فقلت له: ولم سمى

المنتظر؟ قال: لأن له غيبة يكثر أيامها و يطول أمدها فينتظر خروجه المخلصون و ينكره المرتابون و يستهزئ به الجاحدون و يكذب فيها الوقتون و يهلك فيها المستعجلون و ينجو فيها المسلمون؛ (خزاز قمی: ۲۸۳)

... زیرا به پا خاستن او پس از فراموشی نام او و برگشت بیش تر معتقدان از اعتقاد به امامت او اتفاق می افتد. عرض شد: «چرا او را کسی می خوانند که مورد انتظار است؟» فرمود: «از آن رو که دوره غیبتش روزهایی بسیار و انجामी طولانی دارد. در این دوره، مخلص ها منتظر خروج او می مانند؛ شکاکان منکر او می شوند؛ منکران معاند به تمسخر می پردازند؛ آن ها که وقت ظهور تعیین می کردند، به تکذیب می پردازند، آن ها که عجله می ورزند، به هلاکت می افتند و تسلیم شوندگان رستگار می شوند.

وظیفه دشوار انتظار را از این روایات می توان به دست آورد.

۳. روایات بیان اوصاف یاران و لشکریان حضرت حجت علیه السلام. یک نمونه که بخشی از یک روایت است نقل می شود:

- «عن أبي جعفر الثاني، عن أبيه قال: قال النبي صلى الله عليه وآله و له كنوز لا ذهب و لا فضة إلا خيول مطهمة، و رجال مسومة يجمع الله له من أقاصى البلاد على عدة أهل بدر ثلاثمائة و ثلاثة عشر رجلا، معه صحيفة مختومة فيها عدد أصحابه بأسمائهم، و بلدانهم و طبائعهم، و حلاهم، و كناهم، كدادون مجدون فى طاعته: (مجلسی، ج ۵۲: ۳۱۰)

از امام جواد علیه السلام از پدراناش از پیامبر صلی الله علیه و آله چنین نقل می کنند: و گنج هایی دارد که طلا و نقره نیستند، بلکه لشکریانی هستند با تجهیزات کامل و مردانی علامت دار و معین. خداوند برای او از اطراف و اکناف عالم، عده ای به اندازه عدد اهل بدر، (۳۱۳ مرد)، فراهم می آورد. با او نوشته ای است مهر شده که در آن عدد یارانش به اسم افراد، شهرها، نژادها، زینت ها و کنیه ها وجود دارد. آنان افرادی سخت کوش و جدی در فرمان بری او هستند.

روایات روابط با خلفا و کارگزاران

این روایات، مستقیماً در حوزه سیاست از امام جواد علیه السلام نقل شده و به چند دسته فرعی تر تقسیم می شود:

۱. حفظ ظاهر در رابطه‌ای مسالمت‌آمیز

سیاست کلی امام جواد علیه السلام، در رابطه خود با خلفای جور و دستگاه حکومت، حفظ ظاهری مسالمت‌آمیز بود. چند نمونه در پی می‌آید که جهات مختلف این موضوع مهم را در روایات سیاسی - اجتماعی آن حضرت می‌رساند:

۱-۱ «رجل من بنی حنیفة من أهل بست و سجستان قال: رافقت أبا جعفر علیه السلام فی السنة ألتی حج فیها فی أول خلافة المعتصم فقلت له وأنا معه علی المائدة و هناك جماعة من أولیا السلطان: إن والینا جعلت فداک رجل یتولاکم أهل البیت و یحبکم و علی فی دیوانه خراج فإن رأیت جعلنی الله فداک أن تکتب إلیه کتابا بالاحسان إلی فقال لی: لا أعرفه فقلت: جعلت فداک: إنه علی ما قلت من محببکم أهل البیت و کتابک ینفعنی عنده فأخذ القرطاس و کتب...» (کلینی، ج ۵: ۱۱۱؛ شیخ طوسی، ج ۶: ۳۳۴)

مردی از بنی حنیفه از اهل بست و سیستان می‌گوید: با امام جواد علیه السلام، در سالی که در ابتدای حکومت معتصم حج می‌گزاردند، هم سفر بودم. سر سفره غذا، در حالی که برخی از یاران سلطان هم نشسته بودند، عرض کردم: «فدای شما گردم! والی ما مردی است باورمند به ولایت شما اهل بیت و از دوست‌داران شما. در دیوان او خراجی را بدهکارم. اگر صلاح می‌دانید، نامه‌ای مبنی بر بخشودگی بدهی‌ام به او بنویسید.» فرمود: «او را نمی‌شناسم.» عرض کردم: «او چنان‌که گفتم دوست‌دار شماست و نامه شما به او برای من سودمند است.» در این هنگام کاغذ را برگرفتند و چنین نوشتند....

در ادامه، آن مرد از رفتار نیک حاکم با او در اثر نامه سفارش حضرت نقل می‌کند. (همان: ۱۱۲)

این روایت نشان می‌دهد که اولاً حضرت ظاهراً دوستانه با حکومتیان نشست و برخاست داشتند و ثانیاً روبه‌روی آنها، برای شیعیان خود، به حاکمی که او هم شیعه بود سفارش می‌کردند. این وضع از ظاهری دوستانه با دستگاه حکومتی حکایت دارد.

۱-۲ «الیعقوبی قال: لما توجه [أبو جعفر] فی استقبال المأمون إلی ناحية الشام...» (راوندی، ج ۲: ۶۶۹)

یعقوبی می‌گوید: «هنگامی که [امام جواد علیه السلام]، برای استقبال از مأمون، به سوی شام روانه شدند...».

استقبال بر روابط دوستانه دلالت دارد.

۳-۱- ابن اُورمه قال: إن المعتصم دعا جماعة من وزرائه وقال: اشهدوا لي على محمد بن علي بن موسى الرضا زورا " واکتیبوا بأنه أراد أن يخرج. ثم دعاه فقال: إنك أردت أن تخرج علي. فقال: " والله ما فعلت شيئا " من ذلك "... (طوسی: ۵۲۴)

ابن اورمه می‌گوید: معتصم عده‌ای از هم‌کارانش را فراخواند و به آن‌ها گفت: «برای من علیه محمد بن علی بن موسی الرضا شهادت دروغ بدهید و بنویسید که او قصد خروج دارد، سپس حضرت را فراخواند و به او گفت: «تو قصد خروج بر من داری؟» حضرت فرمود: «به خدا سوگند من کاری در این باره نکرده‌ام...!»

در ادامه روایت، کرامتی از حضرت نقل می‌شود که می‌توان در ضمن آن فهمید که دشمنی واقعی بین حضرت و خلیفه، مانع از رعایت مصلحت سازش ظاهری نمی‌شود که با ابتکار و مدیریت حضرت صورت می‌گیرد.

۲. پاسخ به پرسش‌های خلفا

بخشی از رابطه حضرت با خلفا، به پاسخ به پرسش‌ها مربوط است. یک نمونه نقل می‌شود:

- «روی أن المعتصم سأل أبا جعفر محمد بن علي بن موسى الرضا عليه السلام عن قوله (وأن المساجد لله فلا تدعوا مع الله أحدا) فقال هي الأعضاء السبعة التي يسجد عليها؛ (حر عاملی، ج ۶: ۳۴۵)

روایت شده معتصم از امام جواد علیه السلام، درباره این سخن خدای سبحان که می‌فرماید: (ان المساجد لله فلا تدعوا مع الله احدا) پرسید، فرمود: «مساجد اعضای هفتگانه‌ای است که بر آن سجده می‌شود».

در نمونه‌ای دیگر، انگیزه لجابت و تحقیر در سؤال آشکار است. گرچه خلیفه این سؤال را مستقیماً طرح نمی‌کند، اما انگیزه منفی آن از سوی او القا می‌شود. البته تلاش می‌کند این القا پنهان از حضرت باشد و ظاهری متواضعانه به خود می‌گیرد. به روایت ذیل توجه کنید:

- «قال المأمون ليحيى بن أكثم اطرح علي أبي جعفر محمد بن الرضا عليه السلام مسألة تقطعه فيها. فقال: يا أبا جعفر ما تقول في رجل نكح امرأة علي زنا أيحل أن يتزوجها؟ فقال: يدعها حتى يستبرئها من نطفته ونطفة غيره، إذ لا يؤمن منها أن تكون قد أحدثت

مع غیره حدثا كما أحدثت معه . ثم يتزوج بها إن أراد، فإنما مثلها مثل نخلة أكل رجل منها حراما ثم اشتراها فأكل منها حلالا. فانقطع يحيى . فقال له أبو جعفر عليه السلام: يا أبا محمد ما تقول في رجل.... فقال المأمون: يا أبا جعفر أعزك الله بين لنا هذا؟ قال: هذا رجل...» (حرانی: ۴۵۴)

مأمون به يحيى بن اکثم دستور داد از امام جواد عليه السلام چیزی بپرسد که ایشان را در پاسخ درمانده سازد. يحيى از حضرت پرسید: «مردی با زنی زنا کرد؛ آیا جایز است با او ازدواج کند؟» فرمود: «پس از زنا، زن را رها می‌کند تا از نطفه آن مرد و دیگران استبرا کند، زیرا ممکن است همان رابطه‌ای که با آن مرد برقرار کرده، با دیگران هم برقرار کرده باشد. پس از استبرا، اگر خواست با او ازدواج کند. وضعیت او مانند درخت نخلی است که مردی به حرام، از آن می‌خورد؛ سپس آن را می‌خرد و به حلال، از آن می‌خورد.» يحيى درمانده شد. سپس امام به او فرمود: «ای ابامحمد، چه می‌گویی درباره مردی....» مأمون عرض کرد: «ای اباجعفر، خدا تو را عزت دهد! مسأله را برای ما بیان کن! حضرت فرمود: «این مردی است....».

۳. رابطه مالی با خلفا

از برخی روایات، به دست می‌آید که امام جواد عليه السلام هدایایی را از مأمون پذیرفته‌اند. روایت ذیل نمونه‌ای از این دست است:

- قال المأمون لياسر: سرالی ابن الرضا عليه السلام وأبلغه عنی السلام، واحمل إليه عشرين ألف دينار، وقدم إليه الشهري الذی رکبته البارحة... قال یاسر: فأمرت لهم بذلك، و دخلت انا أيضا معهم و سلمت عليه، و أبلغت التسليم و وضعت المال بين يديه، و عرضت الشهري عليه، فنظر إليه ساعة ثم تبسم، الخبر»؛ (نوری، ج ۱۳: ۱۷۸)

مأمون به یاسر گفت: «پیش ابن‌الرضا برو، سلام مرا به او برسان و بیست هزار دینار همراه با اسب مخصوصی که دیشب سوار بودم برای او ببر...». یاسر می‌گوید: «فرمان خلیفه را اجرا کردم و خود نیز با هدایا خدمت حضرت رسیدم و سلام کردم و سلام خلیفه را رساندم و اموال را پیش حضرت گذاشتم و اسب مخصوص را هم عرضه داشتم. حضرت کمی به آن‌ها نگاه کردند و سپس لبخندی زدند...».

شایستگی‌های رفتارهای اجتماعی

روایات زیادی به نقل از امام جواد علیه السلام در حوزه رفتارهای اجتماعی وجود دارد که می‌تواند در گزاره‌های فقهی یا اخلاقی دسته‌بندی شود و نیز، مستقیم یا غیرمستقیم، قابل استفاده در حوزه سیاسی باشد. چند دسته فرعی از این نوع روایات در پی می‌آید:

۱. روایات تقیه

تقیه با اقسام اضطراری و مداراتی که دارد، قابل استفاده در حوزه فقه و اخلاق است. اما در ضمن صبغه فقهی و اخلاقی، نباید از تأثیر و جایگاه سیاسی آن مغفول ماند. کارکرد اصلی تقیه، حفظ شیعه در جامعه‌ای است که در آن قدرت در دست مخالفان و دشمنان است. این قدرت، ممکن است صرفاً قدرت شمشیر نباشد؛ بلکه فضای غالب در جامعه باشد که حاکمان از آن بهره‌کشی می‌کنند. بنابراین، از این جهت سیاسی محسوب می‌شود که نوعی عکس‌العمل در برابر قدرت است. یک نمونه نقل می‌شود که به جهت موضوع جهاد در آن، جنبه سیاسی افزون‌تری دارد:

- «علی بن مهزیار قال: کتب رجل من بنی‌هاشم إلی ابي جعفر الثانی علیه السلام انی کنت نذرت نذرا منذ سنتین ان اخرج إلی ساحل من سواحل البحر إلی ناحیتنا مما یرابط فیه المتطوعة نحو مرابطهم بجدة و غیرها من سواحل البحر أفتری جعلت فداک انه یلزمنی الوفاء به أو لا یلزمنی؟ أو افتدی الخروج إلی ذلک الموضع بشئ من أبواب آلبر لأصیر إلیه إن شاء الله تعالی؟ فکتب إلیه بخطه و قرأته: إن کان منک نذرك أحد من المخالفین فالوفاء به ان کنت تخاف شنعته، وإلا فاصرف ما نویت من ذلک فی أبواب آلبر...» (طوسی، ج ۶: ۱۲۶)

علی بن مهزیار می‌گوید: مردی از بنی‌هاشم به امام جواد علیه السلام نوشت: «من در طول دو سال نذر کرده‌ام به سواحل یکی از دریاها برای مزداری بروم و داوطلبانه در جده و غیر آن مزداری کنم؛ فدایتان شوم! بفرمایید آیا واجب است به نذر خود عمل کنم یا این‌که نذر خود را با کفاره در وجوه نیک بشکنم؟» در پاسخ، امام به خط خود نوشتند: «اگر کسی از مخالفان نذر تو را شنیده است و می‌ترسی که تو را ملامت کند، به نذرت عمل کن؛ وگرنه آن‌چه را قصد کرده‌ای برای نذرت هزینه کنی، در کارهای نیک صرف کن!»

۲. تشکیل جامعه تشیع

دسته‌ای از روایات امام جواد علیه السلام از تلاش برای محکم کردن روابط شیعیان و ساختن یک جامعه مستحکم از آن‌ها با محوریت ولایت اهل بیت علیهم السلام، حکایت دارد. کارکرد سیاسی چنین جامعه‌ای در برابر حاکمان مخالف و معاند با اهل بیت علیهم السلام روشن است. چند نمونه نقل می‌شود که می‌تواند ابعاد مختلف این تلاش را نشان دهد:

۲-۱- زنده کردن ذکر اهل بیت

عن ابی جعفر الثانی علیه السلام، قال: رحم الله عبدا احيا ذكرا، قلت: ما احياء ذكرکم؟ قال التلاقی - والتذاکر عند اهل الثبات. (صدوق: ۳۴)
امام جواد علیه السلام فرمودند:

خدا رحمت کند بنده‌ای که ذکر ما را زنده بدارد! عرض کردم: «زنده داشتن ذکر شما چیست؟» فرمود: «دیدار و گفت‌و شنود نزد ثابت قدمان» [در ولایت اهل بیت علیهم السلام].

۲-۲- جایگاه شیعه در تحلیل اجزای اسلام

عن ابی جعفر الثانی علیه السلام، عن أبيه، عن جده قال: قال أمير المؤمنين علیه السلام: قال رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: إن الله خلق الإسلام فجعل له عرصة وجعل له نورا وجعل له حصنا وجعل له ناصرا فأما عرسته فالقرآن، وأما نوره فالحكمة، وأما حصنه فالمعروف، وأما أنصاره فأنا وأهل بيتي وشيعتنا... (کلینی، ج ۲: ۴۶)

از امام جواد علیه السلام از پدرانشان نقل است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: خداوند اسلام را خلق کرد و برای آن عرصه‌ای و نوری و حصنی و ناصری قرار داد: قرآن عرصه آن، حکمت نور آن، معروف حصن آن و انصار آن عبارت از من و اهل بیتم و شیعیانم است.

۲-۳- جهاد جامعه شیعه

عن ابی جعفر الثانی علیه السلام فی حدیث طویل فی شأن «انا انزلناه» - قال: ولا أعلم فی هذا الزمان جهادا إلا الحج والعمرة والجوار: (حرعاملی، ج ۱۵: ۴۷)

از امام جواد علیه السلام در حدیثی طولانی در شأن «انا انزلناه» نقل است که فرمود: و در این زمان جهادی به جز حج و عمره و در کنار خانه خدا بودن نمی‌شناسم.

۲-۴- تنبیه سخت و قاطع مدعیان دروغ‌پرداز

سخت‌ترین برخورد امام جواد علیه السلام علیه کسانی بود که با دروغ‌پردازی و نسبت‌های ناروا، خود را هوادار و مبلغ اهل بیت: می‌دانستند. این برخورد را می‌توان بعدی از ابعاد

تلاش آن حضرت برای سازمان دهی و هدایت جامعه تشیع دانست. به نقل زیر توجه کنید:
- «إسحاق الأنباری، قال، قال لی أبو جعفر الثانی علیه السلام: ما فعل أبو السمهری لعنه الله یکذب علینا، و یزعم أنه و ابن أبی الزرقاء دعاة إلینا، أشهدکم أنى أتبرء إلی الله عزوجل منهما، انهما فتانان ملعونان، یا إسحاق أرحنی منهما یرح الله عزوجل بعیشک فی الجنة. فقلت له: جعلت فداک یحل لی قتلهم؟ فقال: انهما فتانان یفتنان الناس، و یعملان فی خیط رقبتی و رقبة موالی، فدماؤهما هدر للمسلمین؛ طوسی، ج ۲: ۸۱۱»

اسحاق انباری می گوید: امام جواد علیه السلام به من فرمودند: «ابوسمهری لعنه الله چه می کند؟ بر ما دروغ می بندد و گمان می کند او و ابن ابی الزرقا مردم را به سوی ما می خوانند. گواه باشید من از آن ها به سوی خدای عزوجل برائت می جویم. آن دو فتنه گرو ملعونند. ای اسحاق! مرا از دست آن ها راحت کن، خداوند عزوجل زندگی تو را در بهشت راحت گرداند!» عرض کردم: «فدای شما گردم! آیا کشتن آن ها برای من جایز است؟» فرمود: آن ها فتنه گردند، مردم را به فتنه می اندازند و کارهای آن ها به گردن من و یارانم گذاشته می شود؛ بنابراین خون آن ها برای مسلمانان هدر است.»

این برخورد شدید با کسانی که مدعی تشیع هستند، ولی عقیده و رفتار خطرناک علیه شیعه دارند، روا داشته می شود در حالی که با نواصب که دشمن اهل بیت علیهم السلام هستند، صبر و مدارا توصیه می شود. (مفید: ۱۹۱)

نتیجه

در محدوده روایات منقول از امام جواد علیه السلام، بدون بررسی سندی آن، در موضوع سیره سیاسی - اجتماعی آن حضرت، می توان به این جمع بندی رسید: امام جواد علیه السلام با بازخوانی منشأ الهی امامت که برای نخستین بار در سن کودکی برای ایشان اتفاق افتاده بود، صغر سن را تحت الشعاع حقیقت امامت قرار دادند و بر این اساس، وظایف امامت را در دوران خود به انجام رساندند. حضرت مسیر آینده امامت و حکومت جهانی را با تبیین جنبه های مختلف مهدویت روشن کردند. ایشان ضمن حفظ روابط ظاهری مسالمت آمیز با خلفا و کارگزاران جور، بر حقانیت اهل بیت علیهم السلام پای فشردند و با نشان دادن شایستگی های جامعه تشیع در میان اکثریت غیر شیعه و قدرت مخالف یا معاند غالب، به حفظ، هدایت و پالایش آن از فتنه ها پرداختند.

مفابع

- ابن حمزة طوسي، *الثائب في المناقب*، قم، مؤسسة أنصاريان للطباعة والنشر، ١٤١٢ق .
- ابن شعبة حرانى، *تحف العقول*، قم، مؤسسة النشر الإسلامى التابعة لجماعة المدرسين ١٣٦٣ ش .
- حر عاملى، *الجواهر السنوية*، نجف اشرف، ١٣٨٤ق .
- حر عاملى، *وسائل الشيعة* (آل البيت) قم، مؤسسة آل البيت لإحياء التراث، ١٤١٤ق .
- حكيم، سيد محمد تقى، *الأصول العامة للفقهاء المقارن*، قم مؤسسة آل البيت للإسلام، بى تا .
- خزازه قمى، *كفاية الأثر*، قم، انتشارات بيدار، ١٤٠١ق .
- راوندى، قطب الدين، *الخرائج والجرائح*، قم، مؤسسة الإمام المهدي .
- شيخ صدوق، *كمال الدين واتمام النعمة*، قم، مؤسسة النشر الإسلامى التابعة لجماعة المدرسين، ١٣٦٣ ش .
- شيخ صدوق، *مصادفة الإخوان* (فارسى)، عراق، منشورات مكتبة الإمام صاحب الزمان العامة، بى تا .
- شيخ طوسى، *اختيار معرفة الرجال*، تصحيح و تعليق، ميرداماد الأستزابادى، سيد مهدي رجاىى، قم، مؤسسة آل البيت لإحياء التراث، بى تا .
- شيخ طوسى، *تهذيب الأحكام*، تهران، دارالكتب الإسلامية، ١٣٦٥ش .
- شيخ كلينى، *كافى*، - تهران، الإسلامية، ١٣٦٣ش .
- شيخ مفيد، *مالى*، بيروت، دارالمفيد للطباعة والنشر والتوزيع، ١٤١٤ق .
- صفار، محمد بن حسن، *بصائر الدرجات*، تهران، منشورات الأعلمى، ١٣٦٢ش .
- علامة مجلسى، *بحار الأنوار*، بيروت، مؤسسه الوفا، ١٤٠٣ق .
- نورى، ميرزا، *مستدرک الوسائل*، بيروت، مؤسسة آل البيت لإحياء التراث، ١٤٠٨ق .